

سفر به سرزمین نور



احسان سالمی

روزنامه‌نگار

«راهیان نور» برای عده‌ای که تجربه حضور در این سفر معنوی را ندارند بیشتر تصویری گنگ از حضور گروهی از آدم‌های چفیه بر دوش در میان چندمنطقه خاکی و ساختمان‌های قدیمی با پس‌زمینه‌ای از صدای مداحی یا نوحه‌های حاج صادق آهنگران است! اما

برای آنها که حداقل یک بار فرصت حضور در این تجربه منحصر به فرد و حضور در سرزمینی که نقطه به نقطه آن جای پای شهیدان است را داشته‌اند، شنیدن نام راهیان نور تصویری فراتر از آن نگاه سطحی و ظاهربین ایجاد می‌کند.

حجت‌الاسلام علی سرلک هم یکی از همین آدم‌هاست که سعادت حضور در جمع راهیان نور را داشته و این تجربه را در قالب سفرنامه کوتاه و خواندنی «غزل غربت» منتشر کرده است. او در این سفرنامه فشرده، شرحی کوتاه بر اتفاقاتی که در مسیر این سفر با آن مواجهه شده، نوشته است؛ اما نقطه تمایز این سفرنامه با سایر سفرنامه‌ها تاثیر فضای معنوی

اطلاعات فوری

عنوان: غزل غربت
نویسنده: حجت‌الاسلام علی سرلک
ناشر: نشر معارف
تعداد صفحات: ۶۰
قیمت: ۲۳۰۰ تومان
پیش‌بینی زمان مطالعه: یک تا ۲ روز

سفر به دهلاویه و دیدن محل شهادت شهید چمران یادمانی که تناسبی با چمران نداشت!



توجه ویژه حجت‌الاسلام سرلک به فضای معنوی یادمان‌های جنگی جنوب باعث نشده که اگر جایی نقدی داشته آن را سانسور کند و اتفاقاً طرح این نقدها باعث باورپذیری بیشتر نوشته‌های او شده است: «پاسی از شب گذشته بود که به دهلاویه رسیدیم؛ جایی که شهید چمران اقیانوس متلاطم و پُرخروش جانش را به آرامش کشانده بود و پس از عمری بی‌تابی و بی‌قراری در رسیدن به لقای خدا، راه آسمان از آنجا به رویش گشوده

شده بود. یادبود عظیم، اما نه چندان باتناسی را سرهم کرده بودند و چهره دلنشین و دوست‌داشتنی چمران در آن انبوه سنگ و سیمان کمرنگ و بی‌رمق به نظر می‌رسید. بعد از شام با تعدادی از رفقا به قسمت مقتل که در بالا قرار داشت و طبقه زیرین آن را به موزه اختصاص داده بودند، رفتیم و از هر دری سخنی گفتیم. راستش نتوانستم ارتباط معنوی با آن یادبود برقرار کنم و فکر می‌کنم در ساختن آن سازه باید به لطافت روحی و صلابت رفتاری و عظمت معنوی چمران توجه بیشتری می‌شد تا محل شهادتش. حرف‌هایمان که تمام شد چند عکس یادگاری هم گرفتیم، یاد این شعر افتادم که ما می‌رویم و عکس‌ها می‌مانند؛ آری، کار جهان برعکس است!»

درباره دوکوهه دلنشین و بزرگ

چقدر این قطعه از زمین خواستنی است

اولین بخش سفر راوی غزل غربت در مناطق جنگی جنوب، حضور در پادگان دوکوهه است. حضوری که همراه با توصیف جالب او از دلیل ماندگاری این پادگان همراه شده است: «حوالی غروب آفتاب بود که به دوکوهه رسیدیم؛ دو کوهه عزیز و غریب، دوکوهه دلنشین و بزرگ، دوکوهه عروج و پرواز، دو کوهه‌ای که استعاره‌ای مجسم از مرج البحرین یلتقیان بود. دو دریای حماسه و عرفان آنجا به هم رسیده بودند. قبل از پیاده شدن از اتوبوس‌ها زمزمه‌های زیر لب همسفران شروع شده بود. چه بغض‌ها که تترکید و چه عقده‌ها که خالی نشد. از اتوبوس‌ها که پیاده شدیم دیگر بعضی تاب ایستادن نداشتند، نشستند و سیر گریه کردند تا کمی آرام بگیرند. چه قدر این قطعه از زمین خواستنی است! آسمان را قوت می‌دهد درخشش معصومانه‌اش. جای جای دوکوهه لبریز از آرامش و صفا و یگانگی است؛ آثار باستانی با تمام حرفه‌ای بودن و کهنه‌کاری خود در مقابل سادگی و صلابت این پادگان، خود را می‌بازند و جا می‌زنند. آنچه که به باعث تفاوت اصلی جوهری این بناها با بقیه بناها می‌شود در همین نکته است که معماری این بناها برای قضاوت تاریخ و تایید اهالی تاریک‌خانه دنیا طراحی نشده است.»



خرمشهر این مسجد را داشت که خدا آزادش کرد مسجدی که قلب خرمشهر بود



توصیفات راوی کتاب از مسجد جامع خرمشهر و فضای معنوی آن نیز یکی دیگر از بخش‌های خواندنی این سفرنامه است: «از هویزه به خرمشهر رفتیم و یکر است سراغ مسجد جامع را گرفتیم، بلوری مشعشع و تابناک که نگین انگشتر آن دیار بود و در آن زمان‌ها که شهید بهروز مرادی بر تابلوی ورودی شهر نوشته بود (جمعیت ۳۶ میلیون نفر) بدون تردید مسجد جامع خرمشهر، پایتخت این کشور ایمانی و انسانی بود.

خرمشهر این مسجد را داشت که خدا آزادش کرد، چه مسجد دلنشینی بود و چه محرابش واقعی بود! محل حرب و جنگیدن با دشمنان خدا و کاشی‌کاری‌هایش فقط به درد مدّ و لالضالین کشیدن نمی‌خورد؛ آینه زلال مردان بی‌ادعا بود. چقدر گنبد شکسته‌اش نور به آسمان پاشیده بود، چه قدر به قول آوینی قلب خرمشهر در این مسجد می‌زد. البته متأسفانه هنوز غبار غربت و مظلومیت از سر و روی شهر پاک نشده بود، هنوز آنجا آثار کم‌کاری و فقر به چشم می‌خورد. ما می‌خواستیم خرمی همه شهر را از خرمشهر بگیریم، اما دریغ که خودش قدری پُرمرده شده بود و دلخورد و البته مردمی آسمانی و صبور دارد که شاکرانه و مومن پای آرمان‌های امام و شهدا ایستاده بودند...»